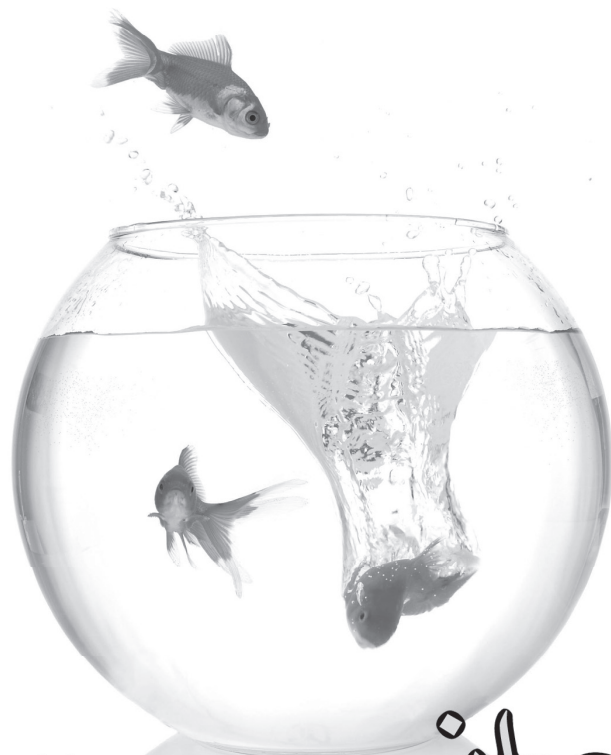




محمد یحیی روحانی



جواز تعدد زوجه چرا؟

دارد و به علاوه در همه زمان ها قانونی منطقی و معقول خواهد بود؟

یک اشتباه تاریخی

در پاسخ به این پرسش قبل از هر چیز باید دانست که برخلاف تصور عمومی، اسلام چند همسری را ایجاد نکرده است بلکه امری متداول و مشهور آن هم بدون حد و حصر را در قید قانون و ضابطه در آورده است و آن را محدود نموده است.

با مراجعه به منابع تاریخی به خوبی روشن می شود که تقریباً در همه ادیان و فرهنگ های گذشته تعدد همسر برای مردان مورد تأیید و دارای رواج بسیار بوده است.

به عقیده ویل دورانت این رسم از اجتماعات اولیه بشری سرچشمه گرفته

چرا اسلام این قانون را که برخلاف میل طبیعی زنان است و به شدت با احساسات و عاطفه خدادادی آنان در تعارض است جعل کرده است.

۲. مسأله ازدواج موقت و تجویز روابط آزاد و بی حد و حصر و با هدف خاص جنسی برای مردان.

۳. انحصار این احکام برای مردان و عدم امکان تعدد شوهر به صورت دائم و موقت برای زنان.

در این شماره به پرسش اول و اصل تجویز تعدد همسر در اسلام خواهیم پرداخت و برخی سئوالات و ابهامات اصلی این موضوع را مورد تأمل بیش تر قرار خواهیم داد.

سؤال این جاست که چرا اسلام مسأله چند همسری را پذیرفته و اصولاً آیا این امر با فطرت و طبیعت بشر همخوانی

حد نوعی رفتار نا مقدس و مذموم تصویر شده است در حالی که در اسلام ازدواج و پیوند طبیعی بین زن و مرد به عنوان امری مقدس و ارزشمند تلقی شده است. اما در این میان برخی قوانین و دستورات اسلامی در خصوص همین مسأله دستمایه اشکالات و سئوالات بسیاری شده که بخصوص در زمان کنونی شدت و دقت بیش تری را به خود اختصاص داده است و قطعاً یکی از مهم ترین نکات در این زمینه مسأله ازدواج مجدد و تجویز چند همسری برای مردان است. البته سئوالات مورد توجه در این خصوص در چند محور قابل طرح است که به امید خدا ما هم در چند شماره به آن ها خواهیم پرداخت، این موضوعات عبارتند از:

۱. اصل مسأله تعدد زوجات و این که

به یقین مسأله روابط بین زن و مرد و مسائل و ویژگی های این روابط یکی از مهم ترین و جدی ترین موضوعات مورد توجه بشر در طول تاریخ بوده و از ابعاد گوناگون به این مسأله توجه شده است. در زمان کنونی نیز این مسأله به عنوان یکی از جدی ترین و اساسی ترین موضوعات روابط بشری مورد بحث و تأمل بسیار است.

البته تأمل و دقت در خصوص این مسأله در ابعاد و جنبه های گوناگونی صورت می پذیرد که یکی از مهم ترین حوزه ها در این مسأله نوع نگاه ادیان به این مقوله است؛ در ادیان گوناگون نسبت به مقوله روابط بین دو جنس نگرش های مختلفی ارائه شده است که در نظر برخی ادیان این روابط غریزی و طبیعی حتی در شکل ازدواج و پیوند عادی انسانی در

بلکه «در اجتماعات اولیه، اصل چند همسری روشی متداول و رایج بوده است»^۱ همچنین رسم چند زنی در میان اقوام چینی و هندی و بابلی و آشوری و مصری قدیم و در میان قبایل سرخپوست آمریکا رواج کامل داشته است.^۲

حتی از منظر ادیان، کتاب مقدس (تورات) آن را به رسمیت شناخته و آورده است که انبیای بزرگ الهی همانند ابراهیم (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۲۵: ۱-۶) و یعقوب (سفر پیدایش، باب ۳۲: ۲۲) و موسی (سفر خروج، باب ۲: ۱۶ تا ۲۱ و سفر اعداد، باب ۱۲: ۱) و داود زنان متعدد داشتند. در خصوص داود کتاب مقدس اسامی ۹ نفر از زنان او را نام می‌برد.^۳

علی‌رغم موضع کلیسا و فرهنگ و قوانین کشورهای مسیحی در مخالفت جدی با این امر، دقت نظر روشن می‌سازد که این امر در منابع مسیحیت مورد انکار نیست و با مراجعه به اناجیل اربعه می‌توان دریافت که دستور خاصی در مورد ممنوعیت چند زنی وجود ندارد، بلکه در رساله پولس مطالبی است که جواز تعدد زوجات را می‌رساند، آن‌جا که پولس می‌گوید: «لازم است اسقف تنها یک زن بگیرد».^۴ روشن است این که اسقف ملزم به اکتفا به یک زن شده، دلیلی بر این می‌باشد که برای غیر اسقف، بیش از یک زن جایز بوده است.

به هر حال از این نکات روشن می‌شود که مسأله چند همسری از نوآوری‌های اسلامی محسوب نمی‌شود! بلکه در همه فرهنگ‌ها و اقوام و ادیان گذشته مورد تأیید بوده و اسلام تنها آن را محدود نموده است، حتی در صدر اسلام با آمدن قانون محدودیت همسران تا ۴ زن برخی از مسلمانان مجبور به طلاق دادن تعدادی از همسران خود شدند تا بیش از ۴ همسر نداشته باشند.

ضرورت اجتماعی یا تمایل فردی

البته روشن است که شهرت یک قانون و فرهنگ دلیل بر تأیید آن از منظر اسلام نیست و باید دید که چرا اسلام این مسأله را مورد تأیید قرار داده است؛ در این زمینه باید گفت که اصولاً مسأله تعدد همسر از نظر اسلام یک نیاز و ضرورت اجتماعی است که در همه زمان‌ها با شدت و ضعف وجود دارد و این قانون راه‌حل قانونی برخی از این ضرورت‌ها در مواقع خاص

محسوب می‌شود.

به عبارت روشن‌تر مسأله تعدد همسر صرفاً به معنی تعدد شریک جنسی نیست بلکه ماهیت ازدواج سرپرستی و پذیرفتن مسئولیت یک خانواده برای مرد است و اگر مسأله منحصر در ارضاء نیازهای جنسی بود با تجویز ازدواج موقت و عدم محدودیت در آن می‌شد به آسانی به این هدف رسید، زیرا تعهدات و مسئولیت‌های ازدواج موقت بسیار کم‌تر از ازدواج دائم است و با ازدواج دائم، تعهدات و تکالیف متعدد اقتصادی و اجتماعی بر عهده مرد قرار می‌گیرد و بار بسیاری از مسئولیت‌ها حتی مسئولیت‌های شخصی زن و احیاناً فرزندان او بر دوش مرد گذاشته می‌شود.

اما منظور دقیق از این ضرورت اجتماعی چیست؟

عدم تناسب جمعیتی

یکی از نکات قابل توجه در شکل‌گیری این ضرورت اجتماعی عدم تناسب آماری زنان و مردان است، در واقع تجربه بشری نشان می‌دهد که همواره مردان در حوادث گوناگون زندگی، بیش از زنان در خطر مرگ قرار دارند و در جنگ‌ها و حوادثی نظیر بلایای طبیعی، حوادث رانندگی، نزاع‌های اجتماعی، مخاطرات محیط کار و... قربانیان اصلی را آن‌ها تشکیل می‌دهند. در نتیجه همواره میزان زنان در جامعه بیش از مردان خواهد بود و زنان بسیاری در جامعه بدون همسر و سرپرست باقی می‌مانند.

حتی در همین زمان که در کشور ما جنگ و نزاع و درگیری و خطر مستقیم جانی وجود ندارد بر اساس آمارهای برخی مراکز حمایتی زنان، آمار زنان آماده ازدواج در کشور چندین برابر مردان است^۵ و البته نظیر این آمار در کشورهای مختلف نیز مشاهده می‌شود.

به علاوه حمایت از خانواده‌هایی که به نوعی سرپرست خود را از دست داده‌اند و زنانی که با وجود چند فرزند، شوهر خویش را بر اثر طلاق یا فوت از دست داده‌اند و به هر دلیل خواهان ورود در عرصه یک زندگی جدید با موقعیت و

شرایط جدید نیستند یا چنین فرصت مناسبی برایشان فراهم نمی‌شود، یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی است.

در واقع کم نیستند زنانی که به هر دلیل همسر خویش را از دست داده‌اند و در عین حال اصرار بر حفظ خانواده قبلی و پرورش فرزندان خود در همان محیط را دارند، اما در عین حال نیازمندی‌های عاطفی و اقتصادی و حتی جنسی، ضرورت‌های غیر قابل انکاری برای آن‌ها است و البته مهم‌ترین ضرورت در کنار همه این موارد نیاز به یک سرپرست و حامی است تا مانع شکل‌گیری فشارهای روانی و اجتماعی بر آنان شود، حقیقتی که در تعبیر عرفی از آن به «بودن نام یک مرد بر زن و فرزندان» تعبیر می‌شود و روشن است که با انجام یک ازدواج درجه دو و کم‌رنگ‌تر از ازدواج اول بخش عمده این نیازها حاصل می‌شود.



نیاز جنسی، حقیقتی غیر قابل انکار

نمی‌توان انکار کرد که ماهیت نیاز جنسی در مردان کاملاً متفاوت از نیاز جنسی در زنان است، به گونه‌ای که در اغلب مردان انگیزه اصلی در ازدواج و ارتباط با جنس مخالف خواسته یا ناخواسته، ارضای نیاز جنسی است، در حالی که در اغلب زنان این انگیزه عاطفی و روحی است حتی بخش عمده نیاز جنسی در آن‌ها هم ماهیتی دوگانه یعنی عاطفی جنسی دارد.

اصولاً در شدت و قدرت این نیاز بین زنان و مردان تفاوت آشکاری وجود دارد، به گونه‌ای که حتی در جوامع غربی که بیش‌ترین تحریکات و بیداری‌های جنسی وجود دارد و عدم تمایلات جنسی عامل اجتماعی ندارد، تفاوت بین زنان و مردان در نیاز جنسی امری کاملاً پذیرفته شده است تا حدی که در اکثر این کشورها میزان سرد مزاجی جنسی، ۳۵ تا حدود ۴۰ درصد جمعیت زنان را شامل می‌شود، در حالی که این امر در مردان شاید به ۱۰ درصد هم نرسد؛ البته در



در پاره‌ای موارد تعدد زوجات را کاملاً منطقی می‌کند و مانع شکل‌گیری طلاق در بسیاری از خانواده‌ها است. بر اساس آمارهای مراکز رسمی کشور منشأ حدود ۵۰ درصد از طلاق‌ها در کشور ما عدم تفاهم جنسی و نارضایتی جنسی از همسر است^۶ که غالباً هم منشأ این خواسته‌ها، مردانه است و اگر امکان برآورده کردن برخی از این خواسته‌ها از طریق دیگر برای مرد فراهم باشد، کم نیستند مردانی که در هر حال علاقه به همسر اول خود داشته خواهان ادامه زندگی با او می‌باشند.

و نکته آخر این که با توجه به قدرت این نیرو در مردان و تأثیرگذاری آن در تصمیمات و رفتارهای فردی و اجتماعی‌شان و توانایی مردان در برآورده ساختن تمایلات خود از طریق ابزارهای مالی و اجتماعی که دارند، اگر واقع‌بینانه بنگریم می‌بینیم در بسیاری از موارد این نیاز اگر از طریق مشروع برآورده نشود، مردان را وادار به اقدام از طریق نامشروع می‌کند، که تبعات منفی فردی و اجتماعی و خانوادگی آن بسیار بیش‌تر و خطرناک‌تر است.^۷

تا این‌جا ممکن است سؤالات و انتقادات متعددی بخصوص از طرف خانم‌ها به آن‌چه گفته شد وارد شود، اما باید توجه داشتید که آن‌چه ذکر شد یک طرف مسأله بود و در شماره بعد به چند نکته دقیق در همین رابطه که به رویه مقابل این حکم بر می‌گردد، یعنی شرایط خاص اسلام برای اصل ازدواج موقت و همچنین تبعات منفی روحی و روانی این مسأله برای همسر اول و به علاوه تفاوت نگاه فقهی و اخلاقی در این خصوص خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵۰.
۲. همان، ص ۶۱.
۳. کتاب مقدس، کتاب اول تاریخ ایام، باب سوم.
۴. رساله اول پولس رسول به تیموتاؤس، باب سوم: ۲ و ۱۲.
۵. پایگاه جامع زنان ایران www.parswoman.com

<http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100885860875>

6. www.Pasokhgoo.ir

۷. با استفاده از

نادیده بگیریم اما این مبارزه‌ای است که پیروزی در آن نیست. به فرض که این طرح عملی بشود، جنبه‌های غیر انسانی آن بر هیچ کس پوشیده نیست. اگر راه دوم را انتخاب کنیم، باید فحشا را به رسمیت بشناسیم و انواع مشکلات جسمی و روحی و فرهنگی و اجتماعی که دامنگیر این‌گونه روابط آزاد می‌شود را بر جامعه بپذیریم؛ تازه زنانی که به عنوان معشوقه مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند، نه تأمین مالی و اجتماعی و... دارند و نه آینده‌ای در خور و سرنوشتی معین. چنان‌که شخصیت آن‌ها در این فرایند پایمال شده است و وجدانی سرخورده و احساسی سرشار از ملامت خود دارند. این‌ها اموری نیست که انسان آگاه آن را تجویز کند.

بنابراین تنها راه سوم می‌ماند که هم به خواسته‌های فطری و نیازهای غریزی زنان در موقعیت‌های خاص پاسخ مثبت داده شده، هم از عواقب شوم فحشا و نابسامانی زندگی این دسته از زنان جلوگیری شود و جامعه نیز از گرداب گناه در امان بماند.

چند نکته قابل تامل

در این میان چند نکته مهم اجتماعی هم وجود دارد: اول آن که وجود زنان بی‌سرپرست و بیوه در جامعه فارغ از انواع فشارهای درونی بر خود آن‌ها در فرض تحمل و خویش‌نشدن داری، به دلایل گوناگون اقتصادی و روحی و غریزی می‌تواند موجب مفاسد و مشکلات فردی و اجتماعی بر خودشان، فرزندان‌شان و جامعه گردد، در حالی که با یک ازدواج دائم اما کم‌رنگ‌تر از ازدواج اول، بخش عمده این نیازها برطرف شده و خطرات بسیاری در این زمینه برطرف می‌گردد.

دیگر آن که با توجه به مشکلات ناباروری که جمعیتی حدود ۱۰ درصد خانواده‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهد و تمایل شدید در برخی افراد برای فرزند داشتن، همچنین انگیزه‌های موجه جنسی در مردان آن هم

در شرایط معمولاً از خود توان ساختن آن را ندارند،

برخی جوامع میزان سردمزاجی زنان تا ۸۰ درصد هم تخمین زده شده است.

همچنین نمی‌توان انکار کرد که بقای غریزه جنسی مردان از زنان طولانی‌تر است، زیرا غالب زنان در سن معینی، آمادگی جنسی خود را از دست می‌دهند، در حالی که در مردان چنین نیست، هم چنین زنان به هنگام عادت ماهانه و قسمتی از دوران حاملگی، عملاً هم ممنوعیت برقراری روابط طبیعی جنسی دارند و به علاوه تمایل هورمونی به این امر ندارند، در حالی که در مردان این ممنوعیت‌ها وجود ندارد و نیاز جنسی به طور قوی و مستمر و کامل در آن‌ها وجود دارد. همه این موارد نشان می‌دهد که نمی‌توان شرایط زن و مرد را در خصوص نیازهای جنسی یکسان دید و برای هر دو جنس به یک گونه قضاوت کرد.

واقع‌بینی منصفانه

با در نظر گرفتن همه آنچه گفته شد، در برابر این ضرورت‌ها ناچاریم یکی از سه راه را انتخاب کنیم:

۱. مردان تنها به یک همسر در همه موارد قناعت کنند و زنان بیوه تا پایان عمر بدون همسر باقی مانده، تمام نیازهای فطری و خواسته‌های درونی و احساسی خود را سرکوب کنند.

۲. مردان فقط دارای یک همسر قانونی باشند، ولی روابط آزاد و نامشروع جنسی را با زنانی که بی شکل‌های گوناگون برقرار سازند.

۳. کسانی که قدرت دارند بیش از یک همسر را اداره کنند و از نظر جسمی و مالی و اخلاقی مشکلی برای آن‌ها ایجاد نمی‌شود، نیز قدرت بر اجرای کامل عدالت میان همسران دارند، به آن‌ها اجازه داده شود که بیش از یک همسر انتخاب کنند.

حال اگر بخواهیم راه اول را انتخاب کنیم، باید گذشته از مشکلات اجتماعی که به وجود می‌آید، با فطرت و غرائز و نیازهای روحی و جسمی بشر به مبارزه برخیزیم. هم چنین عواطف و احساسات این‌گونه زنان را

